

سیر تحول آرای مستشرقان در مورد مهدویت (از ۲۰۰۱ میلادی تاکنون)

زهیردهقانی آرانی^۱

چکیده

مستشرقان و پژوهشگران غربی، بیش از ۱۵۰ سال است به موضوع مهدویت و جایگاه آن در عقاید اسلامی به طور خاص علاقه مند شده و در این زمینه به فعالیت گسترده‌ای پرداخته‌اند. نگاهی به آثار علمی این خاورشناسان، نشان دهنده نوعی تغییر و تحول در گزارش‌ها و آرای ایشان در گذر زمان است. با توجه به برخی شاخص‌ها، دیدگاه محققان و نویسندگان غربی در مورد مهدویت را می‌توان به ۴ دوره زمانی تقسیم‌بندی کرد که بررسی سیر تحول آرای ایشان در دوره چهارم و آخر (از ۲۰۰۱ میلادی تاکنون)، موضوع تحقیق پیش روست. نوشتار جاری که از نوع «اکتشافی» و با روش توصیفی-تحلیلی تهیه شده است، پس از دسته‌بندی و ذکر مهم‌ترین دیدگاه‌های مستشرقان در زمینه مهدویت در این بازه زمانی؛ تحلیل‌ها و آمارهای مختلفی در زمینه نوع و حجم موضوعات مورد توجه، منابع به کار رفته و برخی آمارهای دیگر، از جمله ملیت مستشرقان در این دوره، ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مهدویت، مستشرقان، سیر تحول آرا، منجی‌گرایی اسلامی.

۱. مقدمه

پس از سال ۲۰۰۰م، رخداد‌های مختلفی در جهان غرب شکل گرفت که تأثیر عمیقی بر اسلام پژوهی غربیان و به تبع آن پژوهش‌های مستشرقان در مورد مهدویت برجای گذاشت. پیرنگ شدن شور و احساسات هزاره‌گرایانه در میان مسیحیان (به واسطه گذشت دو هزاره از میلاد مسیح)، قدرت‌گیری جریان‌های سلفی-تکفیری در مناطق مختلفی از جهان اسلام و استفاده این گروه‌ها از شعارهای منجی‌گرایانه، رخداد مشکوک یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱م و اوج‌گیری اسلام‌هراسی در سطح سیاسی و رسانه‌ای غرب و نیز بالا رفتن تمایلات منجی‌خواهانه در میان شیعیان؛ از جمله این موارد است. اگرچه رخداد‌های مذکور، در عرصه سیاسی و اجتماعی صورت گرفته است؛ اثر عمیقی بر عرصه‌های علمی و پژوهشی غرب بر جای گذاشته که به راحتی قابل مشاهده است. گستردگی سطحی و عمقی تحقیقات مراکز غربی در موضوعات مرتبط با منجی-گرایی اسلامی در این دوره (که نمود آن در افزایش کمی و کیفی نوشته‌های غربیان در موضوع مهدویت بروز کرده)، امری واضح و قابل اثبات است. مجموع عوامل گفته شده نشان می‌دهد لازم است دو دهه اخیر را به طور متمایز از دوره‌های پیشین مورد بررسی قرار بدهیم.

شروع دوره جدید را می‌توان سال‌های آغازین قرن بیست و یکم دانست؛ ولی با توجه به اهمیت جریان ۱۱ سپتامبر در این برهه، در این تحقیق سال ۲۰۰۱م، به عنوان آغاز این دوره در نظر گرفته شده که تاکنون ادامه دارد. مؤلفه‌های اصلی دوره چهارم که موضوع پژوهش جاری است، به اختصار عبارتند از: ادامه تنوع رهیافت‌ها به منجی‌گرایی اسلامی و بررسی موضوعات جدید در این عرصه؛ توجه ویژه به نمودهای مهدی‌گرایی و هزاره‌گرایی در جهان معاصر اسلام، اعم از شیعه و اهل سنت؛ گسترده شدن پژوهش‌های عمیق و جزئی در موضوعات مرتبط با مهدویت در مراکز علمی غرب و ظهور دسته‌ای از مستشرقان رسانه‌ای که با ابزار رسانه درصدد دشمنی علنی با مهدویت برآمده‌اند.

با رصد صورت گرفته در طی دوره چهارم (۲۰۰۱م تاکنون) بیش از ۱۲۰ کتاب یا پایان‌نامه و همین حدود مقاله حاوی مطالب قابل توجهی در موضوع مهدویت بوده‌اند که نویسندگان این آثار بالغ بر ۱۱۷ نفر احصا شده‌اند. از میان این افراد، آثار ۴۲ مستشرق به طور کامل و ۳۸ فرد به حد کفایت بررسی شده و نوشته‌های ایشان که در بردارنده حدود ۷۰٪ درصد نوشته‌هاست،



نمایه‌گذاری و گونه‌شناسی شده است.

۲. آرای مستشرقان در دوره چهارم

چنان‌که گفته شد، اتفاقات و رویدادهای این دوره باعث طرح مباحث جدیدی در میان محققان و نویسندگان غربی در موضوعات مرتبط با مهدویت گردیده است. در عین حال موضوعات مطرح شده در دوره‌های پیشین نیز به صورت جدیدتر و تا حدودی کامل‌تر در این دوره پی گرفته شده و شاید بتوان جزئی‌گرایی در برخی زمینه‌ها را از مؤلفه‌های این بازه زمانی دانست. در ادامه، ابتدا بر مهم‌ترین آرای مستشرقان غربی در این دوره مروری صورت می‌گیرد و به تفکیک دیدگاه‌های مهم مطرح شده در هریک از زیرموضوعات مرتبط با مهدویت طرح می‌گردد تا امکان شناخت دیدگاه‌های مطرح شده و صاحبان آن‌ها، مقایسه دیدگاه‌ها و مشاهده تغییر و تحول در دیدگاه‌ها فراهم گردد. پس از آن به تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری از آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. جایگاه مهدویت در اسلام

به باور برخی محققان غربی، اهمیت مهدویت در میان مسلمانان را از آن‌جا می‌توان دریافت که «امواج منجی‌گرایانه در طول تاریخ اسلامی بارها و بارها جریان اصلی مذهبی را به چالش کشیده و خود را در مقام جایگزین قدرت حاکم مذهبی/سیاسی مطرح ساخته‌است» (Scharbrodt, 2011, p.10). توجه به موضوع مهدویت در میان مسلمانان در طول زمان، فراز و فرودهای بسیاری داشته؛ ولی به باور چندین تن از نویسندگان غربی (مبتنی بر تأیید آمارها)، بحث آخرالزمان‌گرایی و منجی‌گرایی از اهمیت بالایی میان مسلمانان دوره کنونی برخوردار است: «در ۲۵ سال گذشته شاهد رشد خارق‌العاده‌ای در گفتمان آخرالزمانی مسلمانان بوده‌ایم» (Filiu, 2012, p.xx). به باور فرنیس، این رشد مهدی‌گرایی در جهان اسلام، اهمیتی بنیادین دارد و به ویژه برای غربیان باید به دلایل چندی مورد توجه عمیق قرار گیرد:

بازگشت مهدی یا امام غایب مسئله‌ای کوچک و حاشیه‌ای نیست، بلکه مسئله‌ای است اساسی و اصلی که باید به آن توجه شود؛ چراکه اعتقاد به مهدی به صورتی پایدار و محکم در اسلام بنا شده و شاید مهم‌تر از آن، همچنان به عنوان انگیزه و چراغ هدایت و



امید برای بسیاری از مسلمانان امروز نقش دارد. توجه غرب به مهدویت در عصر حاضر به دلیل پررنگ بودن مهدی خواهی در میان مسلمانان لازم و ضروری است (Furnish, 2015, 77-82).

۱-۱-۲. مهدویت، باوری صرفاً شیعی یا مشترک میان شیعه و اهل سنت

به رغم پذیرش و تأثیرگذاری مهدویت بر جوامع سنی، نمی‌توان این نکته را انکار کرد که توجه به مهدویت در بستر تاریخی و به ویژه در سامانه اعتقادی شیعه عمیق تر و پررنگ تر بوده است. این مطلب در بیان مستشرقان به گونه‌های مختلف بیان شده است؛ به عنوان مثال الیور شاربروت معتقد است:

به طور کلی مهدی همواره چهره‌ای حاشیه‌ای در اسلام سنی بوده است. به رغم این که روایات در مورد نقش آخرالزمانی او راهشان را در مجامع اصلی حدیثی اسلام سنی یافته‌اند، اعتقاد به مهدی هرگز نقش کلیدی و مرکزی را در اعتقادات سنی نداشته است (Scharbrodt, 2011, p.10 و مشابه آن در Leaman, 2014, p.10).

فیلیو هم در این باره می‌نویسد:

احترام و جایگاه مهدی در میان اهل سنت الهام‌بخش و عمیق است. با این حال، در حد و قامت نگاه شیعه نیست. .. با این که تصویر آخرالزمانی مهدی در قلب نگاه آخرت‌شناسانه شیعی است، در اهل سنت اصیل نقش مرکزی نداشته است (Filiu, 2012, p.XI).

با این حال، بنابر دیدگاه برخی مستشرقان، همچون فیلیو (Filiu, 2012, pp.XI&59): نمی‌توان از دو نمود این باور در میان اهل سنت چشم‌پوشی کرد: یکی قدمت وجود سنت‌هایی در مورد مهدویت در منابع سنی و دیگری تجلی مهدی‌باوری در میان عامه اهل سنت در بستر تاریخ.

۲-۲. اصالت مهدویت

به باور بسیاری از مستشرقان «ریشه اعتقادات منجی‌گرایانه در اسلام به دوران ابتدایی اسلام باز می‌گردد و این باور، از همان ابتدا مناقشات فراوانی را به وجود آورده است» (García-Arenal, 2006, p.7). با این حال، در این که ریشه باور منجی‌گرایی در اسلام چیست و این

عقیده مهم و تأثیرگذار در تاریخ اسلامی از کجا نشأت گرفته است؛ مستشرقان این دوره همچون دوره‌های قبل دیدگاه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها در ادامه اشاره می‌شود:

دیوید کوک - همچون برخی مستشرقان دوره‌های پیشین - معتقد است اسلام در آغاز دینی آخرالزمانی بوده است؛ بدین معنا که مسلمانان پایان دنیا را بسیار نزدیک می‌دانستند (Cook, 2002, p.4; Idem, 2014, pp.79-94). مشابه این دیدگاه را فرد دونر (Donner, 2012, pp.78-82&143-144) و جیمز رینهارت (Rinehart, 2006, pp.58-59) مطرح کرده‌اند. استفان شومیکر نیز در مقالات و کتاب‌های متعددی دیدگاه تعدادی از مستشرقان را در این باره نقل و ارزیابی کرده است (Shoemaker, 2012, pp.121-127; Idem, 2018).

بسیاری از محققان غربی، بر این مطلب پافشاری دارند که موضوع مهدویت در قرآن نیامده است (از جمله: Keddie & Richard, 2006, p.6; Livne-Kafri, 2006, p.383; McCants, 2016, p.49; Filiiu, 2009, p.27). در مقابل کسانی همچون گارسیا آرنال معتقدند به‌رغم عدم اشاره قرآن به لفظ «مهدی»، ریشه این کلمه (هدی) بارها در قالب کلمات مختلف در قرآن آمده است (García-Arenal, 2006, p.7). همچنین الیور لیمن بر این باور است عدم ذکر لفظ «مهدی» در قرآن چندان اهمیتی ندارد؛ چرا که به بسیاری از مسائل مهم دیگر نیز مستقیماً در قرآن اشاره نشده است (Leaman, 2011, p.61). برخی دیگر از مستشرقان نیز با طرح نمونه‌های مختلف، دیدگاه خالی بودن نگاه آخرالزمانی در قرآن را تخطئه کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین این افراد دیوید کوک است. وی در کتاب «مطالعه‌ای در نگاه آخرالزمانی مسلمانان»، فصل کاملی را به این موضوع اختصاص داده و با بررسی تفاسیر مهم و معتبر شیعه و اهل سنت، ۴۹۲ ارجاع قرآنی به آخرالزمان را احصا کرده است (Cook, 2002, pp.175-183).

تعدادی از مستشرقان این دوره نیز -البته به گونه‌ای ملایم‌تر و ظاهراً علمی‌تر- قائلند اساس منجی‌گرایی در اسلام در ادیان سابق ریشه دارد. مک‌کانتز (McCants, 2016, p.53)؛ گوردن کرامر (Krämer, 2005, p.73) و برنارد لویس (Lewis, 2004, p.49)؛ باورهای زرتشتی و ایرانی را در این امر دخیل می‌دانند. فیلیو (Filiiu, 2012, pp.XI&17-19)؛ رینهارت



(Livne-Kafri, 2006, pp.385-) و بیش از همه لیونه کفری (Rinehart, 2006, p.59) (403) نیز بر الگوگیری منجی‌گرایی اسلامی از مدل یهودی-مسیحی به واسطه ورود اسلام به شام و عراق یا حضور برخی مسیحیان یا یهودیان تازه‌مسلمان شده تأکید کرده‌اند. قابل ذکر است در دوره معاصر، دو تن از مستشرقان با ذکر همه یا غالب ایده‌های تأثیرگذار بر منجی‌گرایی اسلامی، در این زمینه به طور گسترده‌تری اظهار نظر کرده‌اند. اولین فرد، دیوید کوک است که در کتاب و مقالات متعدّدش در این موضوع به ارائه دیدگاه پرداخته است. او با این مقدمه که بسیاری موضوعات آخرالزمانی اسلام در احادیث آمده؛ چهار عامل را بر روایات آخرالزمانی اسلام تأثیرگذار دانسته است: ۱. تحولات بومی؛ ۲. رویدادهای تاریخی؛ ۳. تفسیر قرآن؛ ۴. منابع خارجی (Cook, 2002, p.2). گارسیا آرنال نیز با جمع‌آوری و مقایسه دیدگاه کازانوا، مایکل کوک و پاتریشا کرون، فرد دونر و در نهایت دیوید کوک در این زمینه چنین نتیجه می‌گیرد:

صرف نظر از این که ما قبول کنیم اسلام به عنوان یک جنبش مسیحی-یهودی به وجود آمده یا نه؛ شکی نیست که نگاه آخرالزمانی اسلام تحت تأثیر منجی‌گرایی دانیال توسط متون آخرالزمانی یهودی و مضامین سوری/بیزانسی قرار داشته که هنگام ورود اسلام در آن‌جا جریان داشته است. آن‌ها همچنین تحت تأثیر نمادهای آخرالزمانی زرتشتیان و باورهای کیهان‌شناختی موجود قرار گرفتند (García-Arenal, 2006, pp.7-19).

تعدادی از محققان غربی این دوره، همچون دیوید کوک (Cook, 2014, pp.84-85)؛ قائل شده‌اند نقش منجی ابتدا در اسلام در شخصیت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام تصویر و بعدها این نقش متمایز یا تقسیم شده است. پیر فیلیو هم بر این باور است که در نگاه اسلام سنی، نقش اصلی منجیانه در آخرالزمان به دست عیسی است و مهدی تابع عیسی محسوب می‌شود (Filiu, 2009, p.27).

۲-۳. روایات مهدویت

روایات آخرالزمانی و منجی‌گرایانه، موضوع دیگری است که مورد توجه دقیق برخی از محققان غربی در دوره اخیر قرار گرفته است. در این مسیر، دیوید کوک در پی ترجمه و توضیح کتاب الفتن ابن حماد برآمده و آن‌را در کتابی ۵۲۰ صفحه‌ای منتشر کرده است (Nu'aim Ibn-Hammād al-Huzā'ī & Cook, 2017). کوک همچنین در ضمیمه اول کتاب «مطالعاتی

در نگاه آخرالزمانی مسلمانان» بیش از ۵۰ صفحه را به ترجمه تعدادی از روایات آخرالزمانی اسلام اختصاص داده است (Cook, 2002, pp. 333-386). جالب توجه آن‌که کوک ضمیمه دوم کتابش را به روایت معروفی که مرحوم ابن طاووس در کتاب ملاحم خود در مورد محل یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه نقل کرده (ابن طاووس، ۱۴۰۳: ص ۱۴۵-۱۴۸)، اختصاص داده و با عنوان «یاران مهدی و محل‌های ایشان» بدان پرداخته است (Ibid, pp.87-91). مک‌کانتز نیز ضمیمه کتابش در مورد داعش را به ذکر روایات پیشگویانه اسلامی اختصاص داده و تعداد قابل توجهی از احادیث مجامع روایی سنی را در این باره عرضه می‌کند؛ به‌ویژه روایاتی که مورد استفاده داعش است (McCants, 2016, pp.330-351). مقایسه روایات غیبت در کتاب کافی کلینی و غیبت نعمانی در مقاله‌ای از نیومن نیز ملاحظه می‌شود (Newman, 2003, pp.94-108).

تعدادی از محققان غربی در این دوره به صورت خاص به بررسی تحلیلی روایات آخرالزمانی و منجی‌گرایانه اسلامی پرداخته‌اند. آگواده در مورد شخصیت‌های مسیحایی مستقل از مهدی، همچون قحطانی، یمانی، سفاح، منصور و حتی سفیانی کار جالب توجهی صورت داده (Aguadé, 2011, pp.351-376) و رینولدز به بررسی نقش مهدی، عیسی و قائم در روایات اسلامی پرداخته است (Reynolds, 2001, pp.62-67). دیوید کوک نیز احادیث آخرالزمانی را در چهار گونه روایات آخرالزمانی تاریخی، فراتاریخی، اخلاقی و یا مسیحایی از هم تفکیک کرده و در فصول متعدد کتابش در مورد هریک، نمونه‌هایی را ذکر کرده است (Cook, 2002). فیلیو نیز به سراغ نوع نگاه برخی علمای مسلمان به روایات مهدوی رفته و در کنار پرداختن به افکار عرفانی و رمزآلود ابن عربی و نیز نگاه شکاکانه ابن خلدون به روایات مهدوی، به کتاب‌ها و آرای سه نویسنده مهم کتاب‌های روایی در قرون میانی، یعنی قرطبی، ابن کثیر و سیوطی پرداخته است (Filiu, 2012, pp.31-48). آمیکام ایلاد، مستشرق اسرائیلی نیز در مقاله «کشمکش در مورد مشروعیت قدرت با توجه به حدیث المهدی» به صورت نسبتاً مفصل به استفاده از مهدویت در تاریخ و سنت آغازین اسلامی پرداخته که کار شاخص و جالب توجهی است (Elad, 2010, pp.39-96).



۲-۴. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نزد شیعیان

محققان غربی در دوره اخیر، بحث‌های مختلف و مفصلی در مورد مهدویت شیعی ارائه کرده‌اند. در ادامه به صورت مجزا برخی از این مباحث مرور می‌شود.

۲-۴-۱. تفاوت‌های نگاه آخرالزمانی و منجی‌گرایانه شیعه با اهل سنت

با وجود شباهت‌های غیر قابل انکار، در زمینه نگاه آخرالزمانی و توجه به مفاهیم مهدویت در میان دو گروه اصلی اسلامی، یعنی شیعه و اهل سنت، تفاوت‌های مهم میان این دو مذهب را در این زمینه نمی‌توان انکار کرد. برخی مستشرقان این دوره در این زمینه بحث‌های قابل توجهی مطرح کرده‌اند. پرننگ بودن جریان مهدی و سفیانی، حاکم بودن نگاه کامل جبری، منسجم‌تر بودن و تکیه بیش‌تر بر عنصر عدالت در دوران آرمانی از مواردی است که در این باره مورد توجه دیوید کوک بوده است (Cook, 2002, pp.192-228). رفتار خشونت‌بار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با دشمنان، مرکزی بودن تصویر آخرالزمانی مهدی نزد شیعه به خلاف اهل سنت و نیز تمرکز شیعه بر مبارزات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و سفیانی و کم‌رنگ بودن مبارزه عیسی علیه السلام و دجال (Filiu, 2012, pp.59&147&163)؛ دیگر تفاوت‌های مورد اشاره فیلیوست. سابرینا مروین نیز معتقد است برخلاف اهل سنت که به بازگشت به گذشته (سلف) امیدوار است؛ شیعه به آینده و ساخت نظام آرمانی توسط مهدی چشم امید بسته است (Mervin, 2013, p.20). هازلتون به «شخصیت خاص و ممتاز مهدی شیعی در مقابل شخصیت عادی و در حد یک رهبر ایده‌آل اسلامی نزد اهل سنت» (Hazleton, 2010, p.413)؛ موشه شارون به «زنده بودن، دارای هویت شخصی تاریخی با مشخص بودن پدر و اجداد او و انتظار طولانی مدت مهدی در مخفیگاه برای فراهم شدن زمان ظهور» (Sharon, 2006)، آنتونی بلک به «نگاه انقلابی به آخرالزمان، همچون برخی فرقه‌های خاص مسیحی در میان شیعیان» (Black, 2010, p.34) و ماریلا اورگی به «اعتقاد شیعه به طول عمر طولانی و غیرمعمول مهدی» (Ourghi, 2009, p.163)؛ به عنوان وجوه تمایز نگاه منجیانه شیعه و اهل سنت اشاره کرده‌اند.

۲-۴-۲. سردرگمی و حیرت شیعیان در آغاز غیبت

بسیاری از محققان غربی معتقدند پس از رحلت امام یازدهم، شیعیان به بحرانی عظیم در

سامانه اعتقادی خویش دچار شدند که طی آن گروه‌های مختلفی براساس این‌که امام بعدی چه کسی است؛ یا این‌که آیا امام درگذشته، فرزندی داشته است یا نه؛ شکل گرفتند (Klemm, 2008, p.144; Ende, 2005, p.77; Brunner, 2004, pp.16-17). نیومن تعداد شیعیانی را که به وجود فرزند پسری برای امام یازدهم معتقد بودند و بر این باور بودند که آن پسر به غیبت رفته است؛ بسیار کم می‌داند و معتقد است پیروان جعفر (برادر ایشان)، بزرگ‌ترین گروه‌های باقی‌مانده امامیه در آن سال‌ها بودند (Newman, 2013, pp.38-39) و مشابه آن در: (Ess, 2011, p.234). ایجاد انشقاق و چندپارگی میان شیعیان در زمان شهادت امامان، امری است دارای سابقه در میان شیعیان و طبعاً برخی مستشرقان، اتفاقات پس از شهادت امام یازدهم را در همین دایره ارزیابی کرده‌اند (از جمله Krämer, 2005, pp.115-117). پاول والکر نیز در مقاله «تثبیت شیعه» مدعی است:

پس از مرگ امام یازدهم همچون خط اصلی شیعه پس از موسی بن جعفر، هیچ کاندیدای آشکاری برای جانشینی - حداقل کسی که توسط جامعه شناخته شده باشد - وجود نداشت. در این زمان شیعه به چنین دیدگاهی متقاعد شد که یک فرد دوازدهمی امام است. آن‌ها اصرار داشتند آن امام در ابتدا به صورت موقت در غیبت به سر می‌برد و سرانجام به صورت دائم غیبت او را پذیرفتند (Walker, 2001, pp.83-87).

۳-۴-۳. غیبت و رجعت، دو ویژگی منجی‌گرایی شیعی

به باور برنارد لویس:

از همان آغاز دو ویژگی از مشخصه‌های شیعیان شورشی [که مغلوب جریان حاکم می‌شدند]، گردید و آن دو عبارتند از غیبت و بازگشت [=رجعت] [بدین معنا که] امام واقعاً شکست نخورده و نمرده است، بلکه توسط خداوند پنهان شده و در زمان مناسب او بازخواهد گشت و پادشاهی خداوند در روی زمین را برقرار خواهد ساخت (Lewis, 2004, p.296 و مشابه آن در Filiu, 2012, p.10).

ماگن نیز معتقد است:

اعتقاد به غیبت و رجعت یک شخصیت مقدس در زمان مرگ او ظاهراً سابقه‌ای دیرینه، تقریباً به اندازه باور امامت شیعی دارد (Maghen, 2008, p.9) و مشابه آن: (Dakake, 2006, p.331).



سابقه این اعتقاد به غیبت و رجعت را بسیاری به جریان محمد بن حنفیه باز می‌گردانند (از جمله Vilozny, 2016, p.481) و برخی نیز به زمان قبل از آن (از جمله Krämer, 2005, p.50 و Newman, 2009). حتی مایکل وکسلر پیشینه رجعت را به باورهای یهود باز می‌گرداند که به اسلام وارد شده است (Wechsler, 2010, p.396). آنچه مشخص است، این‌که گروه‌های مختلف شیعه این مفاهیم را با اشاره به رهبران گوناگون به کار بردند. به عنوان نمونه هالم به اعتقاد عمیق واقفیه در مورد غیبت و رجعت امام موسی کاظم علیه السلام و کتاب‌های سران واقفیه در این موضوع اشاره می‌کند (Halm, 2002, p.103). بر این اساس، بنابر دیدگاه آنتونی:

این آموزه صرفاً توسط افراط‌گرایان حاشیه‌ای شیعه مطرح نبوده، بلکه در شکل میانه و نه افراطی آن، مبنای نگاه آخرالزمانی اولیه امامیه بوده است که پایه‌های اعتقادات آخرالزمانی بعدی ایشان پس از غیبت امام دوازدهم را شکل داد (Anthony, 2012, p.79).

نوع برداشت معنوی-عرفانی سه محقق زن غربی، یعنی هازلتن، دقاق و آرمسترانگ از آموزه غیبت جالب توجه است. هازلتن واژه "occultation" را به عنوان ترجمه واژه غیبت بسیار مناسب و رسا می‌داند؛ چراکه این واژه انگلیسی در نجوم و گرفتگی خورشید یا ماه کاربرد دارد که گرچه منبع نور پنهان است؛ نور خود را در اطراف لبه‌ها تابش می‌دهد و این معنا در غیبت امامیه نیز مورد نظر است (Hazleton, 2010, p.383). ماریا دقاق هم غیبت را دارای معنایی عرفانی می‌داند که طی آن، امام در قامت فردی که اکنون از نظر فیزیکی ناملموس و بدون گذشت عمر و زمان است؛ جامعه شیعه را به صورت مداوم، ولی نامحسوس و به گونه‌ای معنوی راهنمایی می‌کند و البته گاه خود را در رویاها و مناظر روحانی به شیعیان نشان می‌دهد (Dakake, 2006, p.331). کارن آرمسترانگ نیز در این زمینه می‌نویسد:

امام غایب به یک راز و رمز تبدیل شده است. با حذف او از تاریخ طبیعی، او از محدوده فضا و زمان آزاد شده و ... حضور دائم در زندگی شیعیان دارد و نماینده نور الهی در تاریکی و تنها منبع امید شیعه در جهان ظلمانی است (Armstrong, 2002, pp.61-62).



ذکر دو نوع غیبت که در اصطلاح به غیبت صغرا و کبرا معروف شده‌اند، در کلام بسیاری از محققان و نویسندگان غربی در این دوره آمده است، از جمله (Mervin, 2004, p.65; Dakake, 2006, p.331; Crone, 2005, p.118; Gordon, 2014, pp.12-13; Keddie & Richard, 2006, p.7). به طور خاص، به طور خاص برخی محققان غربی در مورد نواب اربعه نیز نکاتی را ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین ایشان زاکری هیرن و ورنه کلم هستند. هیرن مدعی است چهار سفیر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مشروعیت خود را بر اساس دانش شهودی (و نه دانش مرسوم دینی) داشتند و مهم‌ترین منبع دانش وکلا، کشف و شهود بود (Heern, 2018, p.67). کلم نیز در مدخل «وکیلان مهدی» در دایرةالمعارف ایرانیکا با ادعای عدم اشاره آثار متقدم شیعه به وجود وکیل برای امام دوازدهم، به طور ضمنی حسین بن روح و خاندان نوبختی را عامل تثبیت باور وکالت نواب اربعه دانسته است (Klemm, 2008, pp.143-146). در مورد علل و زمینه‌های پذیرش باور غیبت نزد شیعیان امامیه، مستشرقان اظهار نظرهای مختلفی کرده‌اند. برخی با الفاظ کنایه‌ای یا صریح، شکل‌گیری نگاه حاکم بر شیعه دوازده‌امامی را حاصل برنامه‌ریزی علما پس از شروع غیبت کبرا می‌دانند؛ از جمله (Newman, 2013, p.425; Mervin, 2013, p.26; Dakake, 2004, p.78). ماریا دقاق مدعی است آموزه غیبت باعث شد نوعی تهدید دائم و قریب‌الوقوع که به واسطه حضور فیزیکی امامان برای خلفای حاکم وجود داشت؛ مرتفع شود؛ چراکه ظهور امام را به «آینده بسیار دور، تقریباً اسطوره‌ای و آخرالزمانی» منتقل کرد. نتیجه این باورمندی، کاهش تهدید مستقیم سیاسی شیعیان در چشم نظام‌های حاکم و افزایش توانمندی شیعه برای بازسازی هویت اعتقادی‌شان بود (Dakake, 2006, pp.231-232). والکر نیز یکی از زمینه‌های شکل‌گیری و پذیرش اعتقاد به غیبت را آن می‌داند که امام غایب، از امام حاضر ایده‌آل‌تر بود و با آنچه از منظر شیعه در مورد امام ذکر می‌شد؛ مانند کمالات و عصمت، همخوانی بیشتری داشت (Walker, 2001, p.89). کدی مدعی است: امکان دارد دکتترین غیبت در مراحل اولیه، راهی برای مصالحه شیعیان با قدرت واقعی اهل سنت باشد و در این دوره ابتدایی، شیعیان دوازده‌امامی در واقع به سکوت سیاسی و مصالحه با دولت‌های سنی تمایل داشته‌اند (Keddie & Richard, 2006, pp.7-8).



ژئوف ماگن با طرح این سؤال که چرا شیعه که یکی از اصول مقدماتی و اساسی آن، عدم امکان وجود جهان، حتی یک لحظه بدون هدایت امام است؛ امام خود را از دسترس بیرون می‌برد؛ تبعید می‌کند و کنار می‌گذارد و اساساً او را طرد می‌کند؛ درصدد بر می‌آید با دیدگاهی جدید علت شکل‌گیری باور به غیبت در میان شیعیان را توضیح دهد. وی معتقد است با گذشت زمان، علما دارای قدرتی گسترده در جامعه شیعه شدند و ابتدا در مدل نایبان چهارگانه، امام غایب را از دسترس مردم خارج کردند و پس از مدتی، چون هنوز حضور امام غایب، قدرت ایشان را تحت الشعاع قرار می‌داد و مجبور بودند برای هر مسئله‌ای از طریق واسطه سفر با او در ارتباط باشند؛ تصمیم گرفتند او را به دورترین مکان‌ها تبعید کنند. لذا غیبت کبرا شروع و تمام تصمیمات مذهبی به علمای برجسته شیعه وابسته شد (Maghen, 2008, pp.16-19). فان اس (Ess, 2011, pp.234-246) و رینر برنر (Brunner, 2016, pp.322-323) نیز در اظهاراتی مشابه، ولی با بیانی متفاوت، به برنامه‌ریزی و تأثیر علمای شیعه بر شکل‌گیری و پذیرش باور به غیبت در میان شیعیان معتقد هستند.

به هر ترتیب، نمی‌توان نقش علمای متقدم شیعی را در ساماندهی عقیدتی شیعه انکار کرد. دو تن از محققان غربی، به صورت ویژه در مورد تعدادی از علمای متقدم شیعی و آثار ایشان تحقیق تفصیلی صورت داده‌اند. اولین فرد، آندرو نیومن، استاد دانشگاه ادینبرو است که در کتاب «دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی: گفتمان حدیثی میان قم و بغداد»؛ به سه مجموعه حدیثی عصر غیبت صغرا یعنی «کافی»، نوشته کلینی؛ «بصائر الدرجات»، نوشته صفار قمی و «محاسن»، نوشته برقی دارای نگاه ویژه‌ای است (Newman, 2010). روی ویلوزنی، پژوهشگر اسرائیلی نیز که رساله دکتری خود را در مورد کتاب محاسن برقی صورت داده (Vilozny, 2012)؛ مقالات متعددی در مورد نقش این عالم شیعی عصر غیبت صغرا نگاشته و منتشر کرده است (از جمله Idem, 2014, pp.203-230). ویلوزنی علاوه بر کار بر روی کتاب‌های برقی، دارای مقاله قابل توجهی است با عنوان «آنچه دین را کامل می‌کند: بازبینی کمال‌الدین شیخ صدوق» (Vilozny, 2016, pp.473-491) و در آن، با خوانش قابل ستایش محتوای استدالات شیخ صدوق برای اثبات وجود و غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به ویژگی‌های متمایز این کتاب به طور مفصل پرداخته است.

۲-۴-۵. ارتباط مهدویت شیعی با مسائل سیاسی

در این دوره همچون دوره پیشین، ارتباط مسائل سیاسی با مهدویت یکی از مطالب مهم مورد توجه غربیان بوده است. بسیاری از نویسندگان و محققان غربی اصرار دارند که در نگاه شیعه، حاکمان دنیوی در زمان غیبت امام هیچ مشروعیتی ندارند و بدین ترتیب هر نوع حکومتی در دوران غیبت نامشروع است از جمله اسحاق نقاش (Nakash, 2006, p.5). البته در عمل علمای شیعه ناچار شده‌اند واقعیت حکومت این حاکمان را بپذیرند (اسپوزیتو، ۱۳۹۳: ص ۳۴) و حتی در موارد بسیاری با این حکومت‌ها همکاری کنند (Gleave, 2011, pp.205-206) و البته مطابق ادعای برخی مستشرقان، تعدادی علما از جمله فیض کاشانی: (Newman, 2001, pp.34-36) چندان روی خوشی بدان نشان نمی‌دادند.

از سوی دیگر، پس از وقوع غیبت و قطع ارتباط ظاهری شیعیان با امام، مطابق دیدگاه برخی مستشرقان، پایه مراجعه به عالمان در این مسائل در زمانه غیبت صغرا و به‌ویژه آغاز غیبت کبرا شکل گرفت و به تدریج ایده مراجعه به علما در امور مذهبی، به‌ویژه در سال‌های آغازین غیبت کبرا در شیعه و با تلاش علمای صدر غیبت نهادینه شد. در این نگاه، عالم شیعه در مقام نماینده امام غایب، مرجع شرعی و دینی مردم گردید (Mervin, 2004, p.65 و Black, 2011, p.43). نمایندگی امام غایب برای علمای شیعه و البته دوری ایشان از حاکمان زمانه که حکومتشان را در زمان غیبت نامشروع می‌دانستند، باعث افزایش قدرت آن‌ها گردید (Richard, 2005, p.64). این روند انتقال قدرت را چه یکباره بدانیم (Brunner, 2016, p.327) و چه تدریجی (Turner, 2011, p.214; Ende, 2005, p.84) با شکل‌گیری ایده «نیابت عامه»، به اوج خود رسید. این موضوع در کلام بسیاری از مستشرقان نمود داشته است (Mervin, 2004, p.65; Walbridge, 2001, pp.3-6; Gleave, 2004(1), pp.510-511).

به باور بسیاری از مستشرقان، سکوت‌گرایی، انزوا، تقیه و دورشدن شیعیان دوازده‌امامی از جریان‌ات سیاسی حاکم، در طول تاریخ غیبت همراه شیعیان بوده (Maghen, 2008, p.13; Hermann, 2014, p.275) و اگر در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران رفتاری دیگر از شیعه دیده می‌شود، «اصالت» نداشته و امری نوپدید است (Turner, 2011, p.196; Ende, 2005, p.84-85). با توجه به ارتباط تنگاتنگ این موضوع با بحث ولایت فقیه، تعداد قابل



توجهی از محققان غربی در این زمینه به برخی دلایل مبنایی ولایت فقیه و تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت که توسط امام خمینی رحمته الله علیه ساختاردهی شده؛ اشاره کرده‌اند (Ende, 2005, p.85; Brunner, 2009, p.151). جنبه‌های مختلف موضوع «ولایت فقیه» که ترنر معنای ساده آن را «حاکمیت فقها» (Turner, 2011, p.214) و مروین «قدرت سیاسی یا رهبری فقیهان» (Mervin, 2004, p.65) می‌دانند؛ مورد توجه بسیاری از محققان و نویسندگان غربی در این دوره قرار گرفته است. برخی با ذکر این نکته که «یک دیدگاه معتبر، منسجم یا غالب در میان شیعیان دوازده‌امامی در مورد چگونگی سازماندهی امور سیاسی جامعه در طول دوران غیبت کبرای امام دوازدهم وجود ندارد» (Marcinkowski, 2006, pp.22-23)؛ به اختلاف دیدگاه میان فقهای شیعی در طول تاریخ تا عصر کنونی در این موضوع پرداخته‌اند (Ende, 2005, p.84; Brunner, 2016, pp.329-330). برخی نیز با اشاره به زندگی امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان اصلی‌ترین نظریه‌پرداز «ولایت فقیه»، مبنای این اندیشه را به طور مختصر بیان کرده‌اند (Richard, 2006, pp.191-193; Corboz, 2015, pp.221-248; Cole, 2002, pp.193-196; Filiu, 2012, pp.70-73; Black, 2011, pp.319-322; Keddie & Richard, 2006, pp.240-249&260-262; Gleave, 2004(2), pp.722-723).

۲-۵. جریان‌ات مهدی‌گرا و مدعیان مهدویت در طول تاریخ

ظهور «متمهدیان» یا «مهدی خوانده‌های» مختلف در میان شیعیان و اهل سنت گویای توجه ویژه مسلمانان به این موضوع است (Furnish, 2005, p.5). به باور مستشرقان، تاریخ اسلام دارای نمونه‌های متعددی از جنبش‌های انقلابی است که به واسطه ادعای یک مهدی خودخوانده یا به واسطه فوران طرفداران او شکل گرفته‌اند. جریان مختار و ادعای «مهدی» بودن محمد بن حنفیه، اولین جریان مهم در این زمینه در تاریخ صدر اسلام است که مورد توجه و اشاره بسیاری از غربیان قرار گرفته است (Donner, 2012, pp.183-184; Vittor, 2010, pp.44-45; Kennedy, 2016, pp.139-141&151-152). به باور غربیان پس از مرگ محمد بن حنفیه، مهدویت دچار تحولی اساسی شد و معنای مهدی نیز تغییری دراماتیک پیدا کرد. در این زمان، کیسانیه، مبدع اصلی ایده مهدویت نزد شیعیان شد؛ به طوری که نشانه‌های



آن را در جنبش‌های بعدی شیعی به وضوح می‌توان دید (Newman, 2013, pp.32-33; Krämer, 2005, p.50; Brunner, 2016, p.317). محققان غربی، بنی‌عباس را به عنوان گروه «شیعی» دیگری معرفی می‌کنند که از نمادها و عناوین منجیانه برای بهره‌برداری سیاسی علیه بنی‌امیه و مشروعیت‌بخشی به موجودیت خود بهره برد. پرننگ شدن مواردی همچون خراسان و ظهور پرچم‌های سیاه از مشرق‌زمین توسط حاملانی غیرعرب در آستانه قیام بنی‌عباس و نیز استفاده از القابی همچون مهدی، منصور، هادی و رشید - که القابی منجیانه تلقی می‌شدند- توسط خلفای آغازین عباسی، در کلام تعداد قابل توجهی از مستشرقان این دوره آمده است (Crone, 2005, pp.87-89; Krämer, 2005, p.76; McCants, 2016, pp.55-58; Filiu, 2012, p.28). قیام محمد بن عبدالله، مشهور به «نفس زکیه» نیز در میان نوشته‌های مستشرقان این دوره مورد توجه و اشاره قرار گرفته است و برخی نیز به ارتباط بعضی از احادیث مهدوی با این جریان تأکید کرده‌اند (Elad, 2016). جریان اسماعیلیه که از همان ابتدا با باورهای منجی‌گرایانه عجین شد، موضوع مورد توجه افراد بسیاری در غرب بوده است (Filiu, 2012, pp.50-53; Schmucker, 2005, pp.716-722; Marcinkowski,) (2006, pp12-15; Kennedy, 2016, pp.187-189).

مهدی‌خوانده‌ها و گروه‌های شکل‌گرفته از جریانات مهدی‌گرا در شمال آفریقا در طی قرون میانی تاریخ اسلام؛ همچون ابن تومرت و ابن ابی‌محلّی بیش از همه در کتاب گارسیا آرنال (García-Arenal, 2006)؛ مورد توجه بوده و تقریباً به هریک از این افراد و گروه‌ها فصل مستقلی را اختصاص داده است. در کنار آرنال، فرنیش، هم در رساله دکتری‌اش (Furnish,) (2001, pp.32-98) و هم در کتاب «مقدس‌ترین جنگ‌ها» (Idem, 2005, pp.31-42)؛ در مورد این افراد و جریان‌ها مطالب بسیاری نگاشته است. گوردن کرامر (Krämer, 2005,) (p.144)؛ فیلیو (Filiu, 2012, pp.59-61)؛ ناگل (Nagel, 2008, pp.136-138) و کرون (Crone, 2004, pp.250-254)؛ به صورت مختصرتر و کندی (Kennedy, 2016,) (pp.230-238) و فیرو (Fierro Bello, 2016, pp.73-98)؛ به صورت مفصل‌تر در مورد جنبش موحدون و ابن تومرت اظهارنظر کرده‌اند. علاوه بر واربرگ (Warburg,) (2002&2009) و لایش (Layish, 2007&2016) که به صورت خاص در مورد مهدی



سودانی کتاب‌ها و مقالات ویژه‌ای تألیف کرده‌اند، فرنیش (Furnish, 2005, pp.45-58)؛ شاربروت (Scharbrodt, 2011, pp.11-12) و پیتز کلارک (Clarke, 2006, pp.382-)؛ از جمله مستشرقان این دوره هستند که در مورد این مدعی مهدویت و «مهدیه» مطالبی در نوشته‌های خود آورده‌اند.

در مورد جنبش‌های مهدی‌گرا و مدعیان مهدویت در هند و پاکستان نیز پیتز کلارک (Clarke, 2006, pp.19-20)؛ شوموکر (Schmucker, 2005, pp.730-732) و انده (Ende, 2005, pp.355-357&730-732)؛ به مذهب احمدیه (قادیانیه) به عنوان یکی از جنبش‌های جدید مذهبی پرداخته‌اند. فرنیش در مورد برخی مدعیان و جریان‌ات مهدی‌گرای دیگر، همچون سیدمحمد جانپوری و سیدمحمد بریلوی در هند مطالبی در کتابش نوشته است (Furnish, 2005, pp.38-43).

باییت و بهائیت دیگر فرقه مرتبط با مهدویت هستند که در تیررس تحقیق و اظهارنظر برخی مستشرقان در دوره کنونی قرار گرفته‌اند. پیش از ورود به باییت و بهائیت، بستر شکل‌گیری این فرقه‌ها - یعنی جریان شیخیه - هم مورد توجه برخی غربیان می‌باشد. هیرن (Heern, 2011, pp.114-118)؛ کول (Cole, 2002, pp.115-120)؛ لوسون (Lawson, 2010, pp.18-)؛ مک‌ایون (MacEoin, 2009, pp.59-136) و بیش از همه دنیس هرمان (Hermann, 2007&2017) که غالبشان به بهائیت وابستگی داشته یا دارند؛ بیش از دیگر مستشرقان در این دوره به بحث شیخیه پرداخته‌اند. به صورت خاص در مورد باییت و بهائیت، افراد مختلفی ورود کرده و به اظهارنظر پرداخته‌اند (Keddie & Richard, 2006, pp.45-48; Schmucker, 2005, pp.727-729; Cohen, 2013, pp.49-64). با این حال، مستشرقانی همچون شاربروت (Scharbrodt, 2011&2015&2016)؛ موشه شارون (Sharon, 2004) و بهائی‌مسلمانی همچون کریستوفر باک (Cole, 2004, pp.227-252)؛ لوسون (Idem, 2012(3), pp.210-223)؛ بک (Buck, 2014, pp.714-724)؛ ئوان کول (Cole, 2004, pp.227-252)؛ لوسون (Idem, 2012(1), pp.463-470)؛ مک‌ایون (MacEoin, 2009)؛ پیتز اسمیت (Smith, 2008&2009&2012)؛ وردینگتون (Worthington, 2012) و استوکمن (Stockman, 2008&2009&2012).

تألیف کرده‌اند. (2012; Idem, 2008, pp.330-333) در مورد بابیت و بهائیت مقالات و کتاب‌های مستقلی

قابل ذکر است جریان جهیمان العتیبی نیز در میان جریان‌ات نوظهور مهدی‌گرا مورد توجه تعدادی از محققان غربی قرار گرفته است (Furnish, 2005, pp.74-78; Filiu, 2012, pp.71-73; Esposito, 2010, pp.60-62); ولی شاید بیش‌ترین کار را در مورد شورش جهیمان العتیبی و مقدمات و پیامدهای آن، توماس هگهامر (به همراه لاکرویکس) با نوشتن کتاب «شورش مکه: بازنمایی قیام جهیمان العتیبی» (Hegghammer & Lacroix, 2011) و مقاله مفصلی در این باره (Hegghammer & Lacroix, 2007, pp.103-122) صورت داده باشد.

۲-۶. آخرالزمان‌گرایان معاصر در جهان اسلام

دیوید کوک و فیلیو، از جمله کسانی هستند که در موضوع آخرالزمان‌گرایان معاصر در جهان اهل سنت بررسی‌های گسترده‌ای صورت داده‌اند. کوک تقریباً تمامی کتاب «گفتمان آخرالزمانی معاصر مسلمانان» (Cook, 2005) و چندین مقاله دیگرش را به این موضوع اختصاص داده است. فیلیو نیز که به دلیل حضور طولانی‌مدت در کشورهای اسلامی و ارتباط نزدیک با مسلمانان، در این موضوع ورود گسترده‌ای کرده است؛ بیش از ۱۰۰ صفحه از کتاب خود را به ارزیابی و بررسی آثار متعدد نویسندگان آخرالزمانی – که عمدتاً از اهل سنت هستند – اختصاص داده و افزون بر ۸۰ کتاب را در این زمینه بررسی کرده است (Ibid, 2012, pp.72-179).

تمایلات مهدی‌گرایانه در میان شیعیان در سالیان اخیر، موضوع دیگر مورد بحث چندتن از نویسندگان غربی در این دوره بوده است. دیوید کوک در مقاله‌ای مهم با عنوان «منجی‌گرایی در هلال شیعی»، مدعی است پس از انقلاب ایران که به خودی خود رخدادی آخرالزمانی در نگاه شیعیان بوده؛ «امروزه سه کشور بزرگ با جمعیت شیعی، یعنی ایران، عراق و لبنان در حال تجربه تحولی چشم‌گیر در ماهیت و حدود انتظارات منجی‌گرایانه هستند... این امر باعث گسترش سریع گفتمانی عمیق در مورد پیش‌بینی و پیش‌گویی‌های مرتبط با منجی و ظهور نزدیک او در سالیان اخیر شده است» (Cook, 2011, pp.124-147). فیلیو نیز در بخش گسترده‌ای از



کتاب معروفش (Filiu, 2012, pp.148-198) و به طور خاص در مقاله‌ای با عنوان «بازگشت مهدی‌گرایی سیاسی» (Idem, 2009, pp.26-38). به موضوع اوج‌گیری مهدی‌گرایی میان شیعیان پرداخته است. ماریلا اورگی نیز رساله دکترای خود را با موضوع «منجی‌گرایی شیعی و باور به مهدی در دوران مدرن» (Ourghi, 2008) و نیز چندین مقاله دیگر در این موضوع نگاشته است (Ourghi, 2009, pp.163-180; Idem, 2007, pp.1-8).

تعدادی از مستشرقان غربی نیز با توجه به اوج‌گیری فعالیت گروه‌های افراطی/تکفیری در کشورهای اسلامی، مانند افغانستان، عراق و سوریه به تأثیرگذاری باورهای آخرالزمانی و منجی-گرایانه این گروه‌ها در رفتارشان پرداخته‌اند. لندز (Landes, 2011, pp.446-461)؛ رئوین پاز (Paz, 2007, pp.2-6)؛ فیلیو (Filiu, 2014)؛ مک‌کانتز (McCants, 2016) و تاسرون (Landau-Tasserion, 2016, pp.1-10)؛ از جمله این مستشرقان هستند.

۲-۷. هیولاسازی از منجی اسلامی در بستر تبشیری و سیاسی

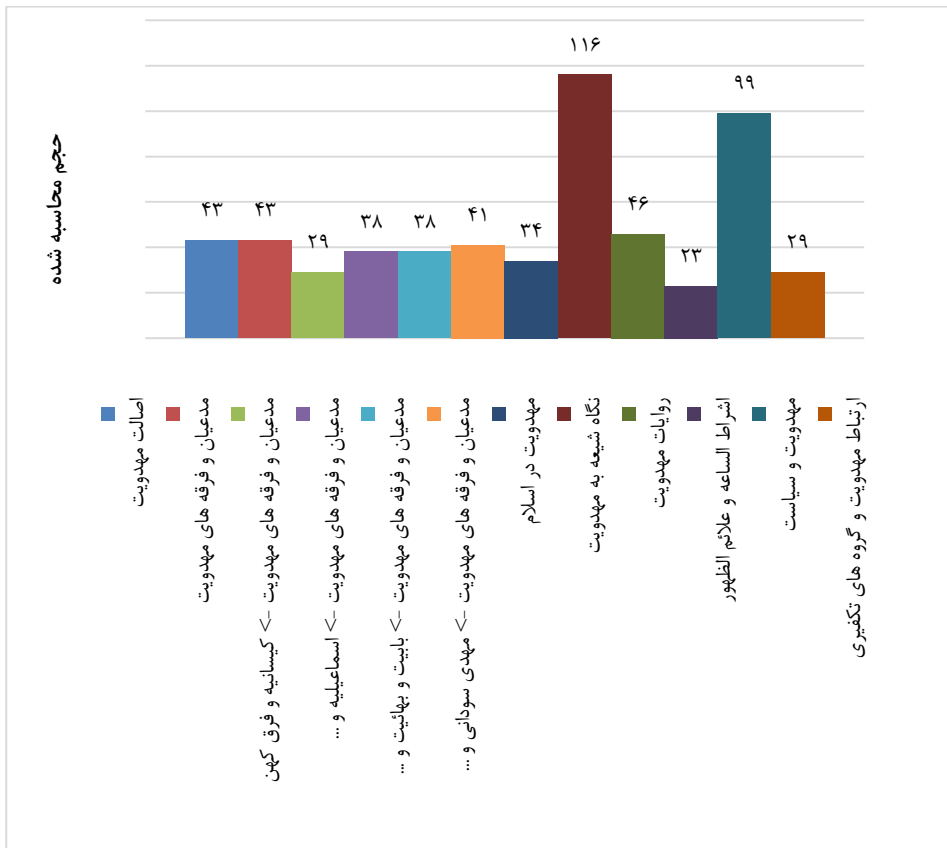
طی سال‌های پس از ۲۰۰۱م، گونه جدیدی از نوشته‌ها و تولیدات رسانه‌ای (اعم از کتاب، مقاله، سایت و برنامه‌های تلویزیونی) پدید آمده که حاوی اطلاعاتی غالباً منفی در زمینه منجی-گرایی اسلامی و به تعبیر دیگر، نمود «مهدی‌ستیزی آشکار» هستند. رویکرد غالب کتاب‌های منتشرشده در این موضوع، با نگاه مسیحی اوانجلیستی و یا با اهداف سیاسی ضد اسلامی/ضد ایرانی و در جهت تقابل صریح با مهدویت اسلامی/شیعی است. متأسفانه با توجه به قدرت رسانه‌ای جریان مذکور و تبلیغات وسیع، برخی از این آثار دارای فروش بالا و انعکاس قابل توجهی در فضای عمومی غرب بوده‌اند. این نوشته‌ها عمدتاً بر مبنای علمی/پژوهشی مرسوم نگاشته نشده، بلکه با اهداف خاص مذهبی و سیاسی به نگارش در آمده و لذا در غالب آن‌ها، انواع دروغ، تهمت، پنهان‌کاری و قلب واقعیت را شاهد هستیم. گزارش کامل این نوع آثار که تعدادشان افزون بر ۱۰۰ مورد احصا شده است، از موضوع این مقاله خارج است؛ ولی به طور مختصر می‌توان به کتاب «مهدی، منجی به سرقت رفته»، نوشته رون کانتزل (Cantrell, 2004)؛ «ضدمسیح اسلامی»، نوشته جوئل ریچاردسون (Richardson, 2009) و «امام دوازدهم»، نوشته جوئل روزنبرگ (Rosenberg, 2010) در این زمینه اشاره کرد.



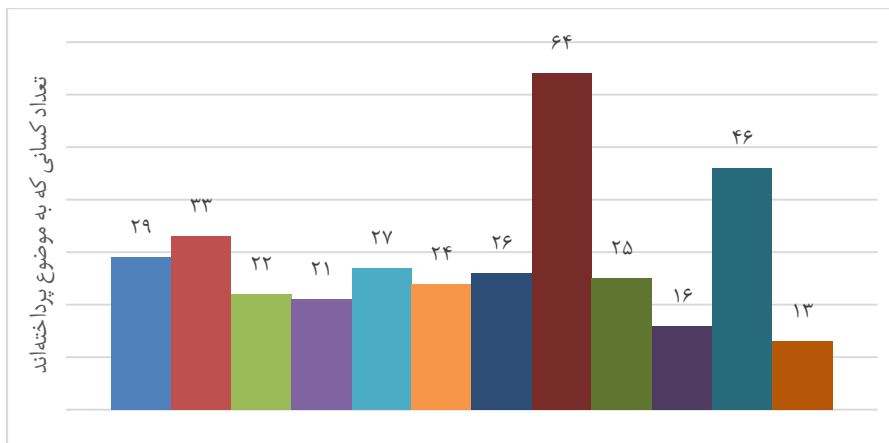
۳. تحلیل و ارزیابی

۳-۱. حجم توجه مستشرقان به زیرموضوعات مهدویت در این دوره

براساس بررسی‌ها، دوره اخیر، به‌رغم کوتاه بودن، حاوی دیدگاه‌های وسیع و متکثری از محققان غربی در زمینه مهدویت و موضوعات مرتبط با آن بوده است. پس از توصیف تحلیلی دیدگاه‌ها به تجمیع آرا و فراهم کردن بستر مقایسه‌ای نوبت می‌رسد و لازمه این کار، محاسبه پرداختن هریک از مستشرقان این دوره که تعدادشان افزون بر ۱۱۰ نفر می‌باشد؛ به زیرموضوعات مختلف مرتبط با مهدویت است. با توجه به محاسبات صورت گرفته، دو نمودار آماری در این باره تهیه شده است:



نمودار ۱. موضوعات مورد توجه مستشرقان در دوره چهارم (از نگاه فردی-حجمی)

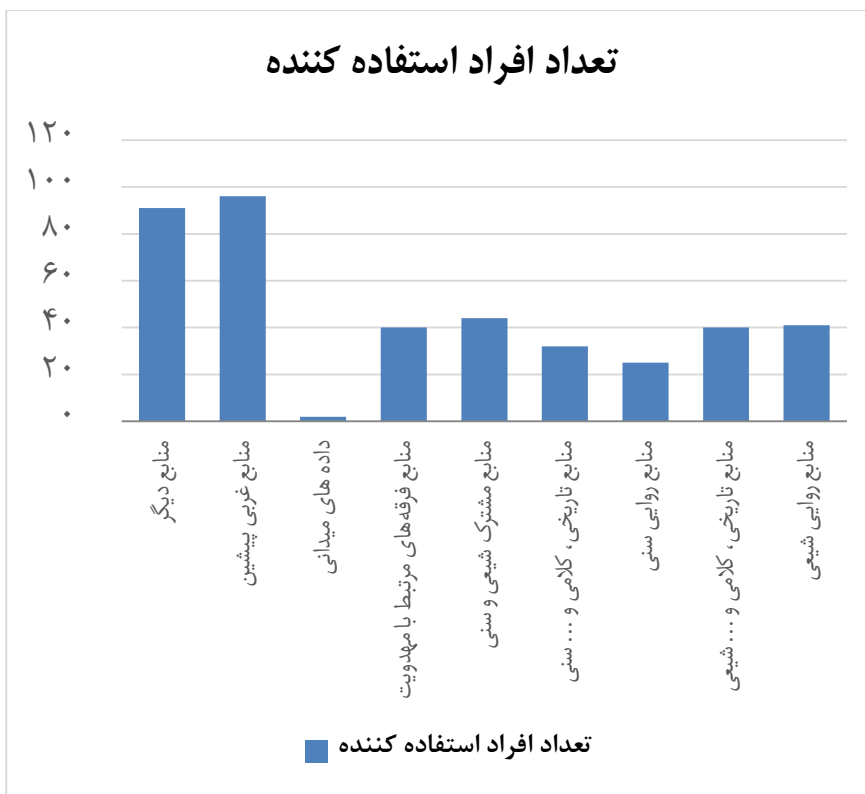


نمودار ۲. موضوعات مورد توجه مستشرقان در دوره چهارم (از نگاه تنوع توجه)

با توجه به نمودارهای بالا، نکاتی قابل برداشت است که به اختصار عبارتند از: قرارگیری دو موضوع «نگاه شیعه به مهدویت» و «رابطه مهدویت و سیاست» در صدر توجه مستشرقان، تنوع جالب توجه پژوهش‌ها و دیدگاه‌ها، ورود تخصصی چند تن از مستشرقان به بحث نگاه آخرالزمانی و منجی‌گرایانه اسلام و توجه بیش‌تر محققان غربی در این دوره به موضوع روایات مهدوی نسبت به دوره‌های پیشین.

۲-۳. منابع مورد استفاده مستشرقان در این دوره

شناخت منابع مورد استفاده مستشرقان در کتاب‌ها و مقالاتی که در موضوع مهدویت نگاشته‌اند؛ بر رهگیری منشأ دیدگاه‌ها و سمت و سوی پیش‌فرض‌های ذهنی ایشان مؤثر است. چنان‌که قوت علمی منابع مذکور و نیز آشنایی ایشان را با این منابع آشکار می‌سازد. نمودار زیر با رهگیری منابع به‌کاررفته توسط مستشرقان این دوره به دست آمده است:



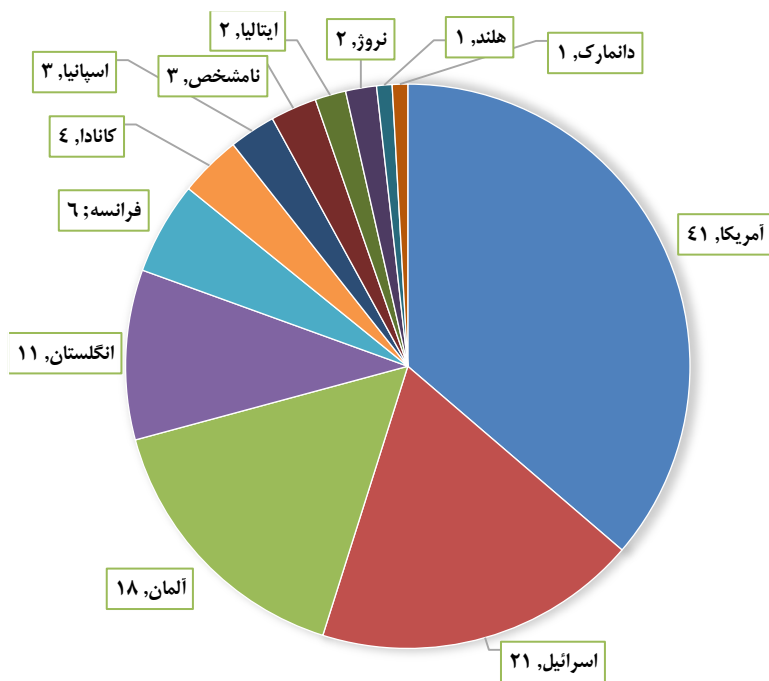
نمودار ۳. منابع مورد استفاده مستشرقان دوره چهارم

چنان که مشاهده می شود، منابع غربی و نیز منابع متفرقه دیگر، مواردی همچون منابع اخیر اسلامی، منابع ترجمه شده، منابع فارسی و در برخی موارد منابع کهن ادیان دیگر را شامل می شود، که این منابع در صدر استفاده مستشرقان دوره اخیر قرار دارند؛ به طوری که ۹۰٪ افراد از این منابع بهره برده اند. دقت در منابع متأخر اسلامی/شیعی که توسط مستشرقان به کار رفته؛ گویای آن است که لزوماً به سراغ منابعی نرفته اند که منعکس کننده دیدگاه های حاکم بر مراکز علمی اسلامی/شیعی و منطبق بر دیدگاه مقبول و رایج میان مسلمانان و شیعیان باشد. همچنین از منابع میدانی کم ترین میزان استفاده در این دوره صورت گرفته است. بیش از $\frac{1}{3}$ مستشرقان این دوره در نوشته هایشان در زمینه مهدویت از منابع شیعی یا مشترک استفاده کرده اند و این آمار حاکی از آشنا شدن بسیاری از محققان غربی با منابع شیعی است. استفاده برخی از این مستشرقان از منابع متکثر و متعدد در نوشته هایشان چشم گیر است؛ به طوری که دیوید کوک در کتاب «نگاه آخرازمانی مسلمانان» از ۶۵۰ منبع استفاده کرده و ناگل نیز در یکی از کتاب های نه

چندان مفصلش بیش از ۱۰۰۰ منبع را مورد استفاده قرار داده است.

۳-۳. چند گزارش آماری دیگر

در ادامه فعال شدن مستشرقان در عرصه اسلام‌پژوهی، در دوره اخیر رشد عجیب و جالب توجهی در مورد تعداد محققان زن از کشورهای غربی که در موضوع مهدویت اظهار نظر کرده‌اند؛ قابل مشاهده است. در این دوره ۲۹ زن در میان مستشرقان دیده می‌شوند که معادل $\frac{1}{4}$ کل افراد است. بسیاری از این افراد دارای جایگاه علمی بالایی در زمینه کاری خود هستند. در میان آمارهای دیگر، آمار ملیت محققان و نویسندگان غربی در این دوره می‌تواند حائز نکات مفیدی باشد که در زیر به صورت نموداری در آمده است:^۱



نمودار ۴. ملیت مستشرقان دوره چهارم

۱. قابل ذکر است در میان مستشرقان این دوره، افرادی دارای چند ملیت هستند که سعی شده است ملیت اصلی یا غالب ایشان لحاظ گردد. همچنین به رغم تلاش بسیار، ملیت سه تن از مستشرقان این دوره شناسایی نگردید.

نمودار مذکور حاوی نکات مهمی است که تنها به دو مورد مهم اشاره می‌گردد:

۱. آمریکا در صدر کشورهایی است که بیش‌ترین مستشرقان را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که افزون بر ۱۰۰ مستشرقان در این دوره آمریکایی هستند.
۲. اسرائیل دومین کشور است که با ۲۱ محقق در صدر لیست مستشرقان این دوره قرار گرفته است. این تعداد محقق با توجه به کوچکی اسرائیل و البته جمعیت کم یهودیان بسیار حائز اهمیت است و یکی از علل مهم آن، تقویت مراکز مختلف اسلام‌پژوهی و شیعه‌پژوهی در اسرائیل در چند دهه اخیر بوده است.

نتیجه‌گیری

پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، رشد شدید مراکز اسلام‌پژوهی در غرب و تربیت محققان متعددی که در موضوعات متنوع اسلامی به پژوهش و تألیف مشغول بودند؛ امری مشهود و غیر قابل انکار است. تداوم این سیر صعودی در سال‌های پس از ۲۰۰۰م، به همراه رخدادهای مختلف در عرصه بین‌الملل که علاوه بر توجه مراکز سیاسی، محققان غربی در مراکز علمی را نیز درگیر خود ساخت؛ بر سیر و عمق پژوهش‌های غربیان؛ به-ویژه در زمینه موضوع مهدویت، آثار مهمی برجای گذاشت؛ به طوری که حجم و کیفیت کار مستشرقان در موضوع منجی‌گرایی اسلامی در دوره‌های قبلی با حجم و کیفیت کار در این دوره قابل مقایسه نیست.

در مقاله پیش‌رو، گزارش مفصل توصیفی، تحلیلی و آماری از دیدگاه‌های مستشرقان در موضوعات مرتبط با مهدویت در سالیان پس از ۲۰۰۰م، ارائه گردید. با نگاهی به کارهای صورت گرفته و دیدگاه‌های ارائه شده می‌توان دریافت تحقیقات غربیان، به‌ویژه در برخی ریزموضوعات مربوط به مهدویت بسیار جزئی و عمیق شده و دیگر نمی‌توان مواردی همچون کم‌اطلاعی یا عدم استفاده از منابع اصلی اسلامی-شیعی را بر بسیاری از محققان غربی ایراد گرفت. متأسفانه به دلیل کم‌توجهی به این عرصه، گاهی -حتی- رصد و اطلاع‌رسانی مناسبی در مورد کارهای متأخر غربی در موضوع مهدویت صورت نمی‌گیرد که لازم است این نقیصه مرتفع گردد تا مراکز حوزوی و دانشگاهی داخل بتوانند علاوه بر آگاهی از این دیدگاه‌ها، پاسخ‌دهی بهنگام و مناسبی داشته باشند.



منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۳ق). *الملاحم والفتن فی ظهور الغایب المنتظر* عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، الشریف الرضی.
۲. اسپوزیتو، جان ال (۱۳۹۳). *انقلاب ایران و بازنتاب جهانی آن*، ترجمه: محسن مدیرشانه چی، تهران، باز.
3. Aguadé, Jorge. "La figura escatológica del Sufyānī en el Kitāb al-fitan de Ibn Ḥammād." *Legendaria medievalia: en honor de Concepción Castillo Castillo*. Córdoba: El Almendro, 2011. 351-376.
4. Anthony, Sean W. *The caliph and the heretic: Ibn Saba' and the origins of Shiism*. Leiden etc.: Brill, 2012.
5. Armstrong, Karen. *The Battle for God: Fundamentalism in Judaism, Christianity and Islam*. New York: Alfred A. Knopf, 2002.
6. Black, Antony. *The history of Islamic political thought: From the Prophet to the present*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2011.
7. -----The West and Islam religion and political thought in world history. Oxford: Oxford Univ. Press, 2010 .
8. Brunner, Rainer. "Die Schia." *Islam: Einheit und Vielfalt einer Weltreligion* , Rainer Brunner (Hrsg.). Stuttgart: Kohlhammer Verlag, 2016. 310-337.
9. -----Islamic ecumenism in the 20th century the Azhar and Shiism between rapprochement and restraint. Leiden; Boston: Brill, 2004.
10. "-----Shiism in the Modern Context: From Religious Quietism to Political Activism." *REC3 Religion Compass* 3.1 (2009): 136-153.
11. Buck, Christopher. "Bahá'í Faith." *The Wiley-Blackwell Companion to Religion and Social Justice* 2012: 210-223.
12. "-----Baha'i: History, Beliefs & Practices." *Handbook of religion : a Christian engagement...* by Terry C Muck. 2014: 714-724.
13. Cantrell, Ron. *The Mahdi, hijacked messiah*. Jerusalem, Israel: Ron Cantrell, 2004.
14. Clarke, Peter B. *Encyclopedia of new religious movements*. London; New York: Routledge Taylor & Francis Group, 2006.



15. Cohen, Ronen A. *The Hojjatiyeh Society in Iran: Ideology and Practice from the 1950s to the Present*. New York: Palgrave Macmillan US, 2013.
16. Cole, Juan. "The Azali-Baha'i Crisis of September 1867." *STUDIES IN THE HISTORY OF RELIGIONS* 104 (2004): 227-252.
17. .-----Sacred space and holy war: The politics, culture and history of Shi'ite Islam. London: I.B. Tauris, 2002.
18. Cook, David. *Contemporary Muslim apocalyptic literature*. Syracuse (New York): Syracuse University Press, 2005.
19. " .-----Messianism in the Shiite Crescent." *Fundamentalism in the Modern World Vol 1*. London: I.B.Tauris, 2011. 124-147.
20. .-----*Studies in Muslim apocalyptic*. Princeton, N.J.: Darwin Press, 2002.
21. " .-----Waiting For The Twelfth Imam: Contemporary Apocalyptic Shiite Literature And Speculation In Lebanon And Iran." *Fundamentalism in the Modern World Vol 1*. London: I.B. Tauris, 2011. 124-147.
22. Corboz, Elvire. *Guardians of shi'ism: sacred authority and transnational family networks*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2015.
23. Crone, Patricia. *God's rule: government and Islam*. New York: Columbia University Press, 2004.
24. .-----*Medieval Islamic political thought*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2005.
25. Dakake, Maria. "Hiding in Plain Sight: The Practical and Doctrinal Significance of Secrecy in Shi'ite Islam." *jameracadreli Journal of the American Academy of Religion* 74.2 (2006): 324-355.
26. " .-----HOJJAT." *Encyclopedia Iranica* 2004: 424-426.
27. Donner, Fred M. *Muhammad and the believers: At the origins of Islam*. Cambridge, Mass; London: Harvard University Press, 2012.
28. Elad, Amikam. *The rebellion of Muhammad al-Nafs al-Zakiyya in 145/762: Tālibīs and early 'Abbāsīs in conflict*. Leiden; Boston: Brill, 2016.



29. “ .-----The Struggle For The Legitimacy Of Authority As Reflected In The Hadith Of Al-Mahdi.” *‘Abbasid studies II : occasional papers of the School of ‘Abbasid*. Leuven: Paris: Peeters, 2010. 39-96 .
30. Ende, Werner. *Der Islam in der Gegenwart*. München: C.H. Beck, 2005.
31. Esposito, John L. *Unholy war: terror in the name of Islam*. Riyadh: International islamic Publishing House, 2010 .
32. Ess, Josef van. *Der Eine und das Andere: Beobachtungen an islamischen häresiographischen Texten*. Berlin; New York, N.Y.: De Gruyter, 2011.
33. Fierro Bello, María Isabel. “El Mahdi Ibn Tumart: más allá de la biografía oficial.” *Política, sociedad e identidades en el occidente islámico, siglos XI-XIV-* (2016): 73-98 .
34. Filiu, Jean-Pierre. *Apocalypse in Islam*. Trans. M B DeBevoise. Berkeley, Calif.; London: University of California Press, 2012 .
35. “ .-----L’Etat islamique ou les chevaliers de l’apocalypse djihadiste.” *L’Obs*. N.p., 29 Aug. 2014.
36. “ .-----The Return Of Political Mahdism.” *Current Trends In Islamist Ideology*. vol. 8. Washington, D.C.: Hudson Institute, 2009. 26-38.
37. Furnish, Timothy R. “Dueling Messiahs: Jesus v. the Mahdi in Iran.” *Reporter*. N.p., 2 Feb. 2009.
38. “ .-----Eschatology as politics, eschatology as theory: modern Sunni Arab Mahdism in historical perspective.” Ph.D. dissertation. The Ohio State University, 2001.
39. -----Holiest wars: Islamic Mahdis, their Jihads, and Osama bin Laden. Westport, Conn.: Praeger Publishers, 2005.
40. -----Ten Years’ Captivation with the Mahdi’s Camps: Essays on Muslim Eschatology, 2005-2015. Timothy R. Furnish, Phd., 2015.
41. García-Arenal, Mercedes. *Messianism and puritanical reform: Mahdīs of the Muslim west*. Trans. Martin Beagles. Leiden; Boston: Brill ; Extenza Turpin, 2006.
42. Gleave, Robert. “Niyabat-e ’amma.” *Encyclopedia of Islam and the Muslim world / edited by Richard C. Martin* 2004(1): 510-511.



43. “-----Shi’i jurisprudence during the seljuq period: rebellion and public order in an illegitimate state.” *The Seljuqs : Politics, Society and Culture*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2011.
44. “-----Velayat-e Faqih.” *Encyclopedia of Islam and the Muslim world / edited by Richard C. Martin 2004(2): 722-723*.
45. Gordon, Jennifer Thea. “Obeying Those in Authority: The Hidden Political Message in Twelver Exegesis.” Ph. D. Harvard University, 2014.
46. Halm, Heinz. “al-WAKIFA.” *Encyclopaedia of Islam 2002*: 103.
47. Hazleton, Lesley. *After the prophet the epic story of the Shia-Sunni split in Islam*. New York: Anchor Books, 2010.
48. Heern, Zackery M. “Three Sources of Shi’i Knowledge and Authority: Texts, Reason, and Mysticism in Islamic Intellectual History.” *Proceedings of the Annual International Conference on Shi’i Studies*. London: ICAS Press, 2018. 60-93.
49. “-----Usuli Shi’ism: The emergence of an Islamic reform movement in early modern Iraq and Iran.” N.p., 2011.
50. Hegghammer, Thomas, and Stéphane Lacroix. “Rejectionist Islamism In Saudi Arabia: The Story Of Juhayman Al-‘Utaybi Revisited.” *Int. J. Middle East Stud. International Journal of Middle East Studies 39.1 (2007): 103-122*.
51. -----The Meccan rebellion: The story of Juhayman al-‘Utaybi revisited. Bristol, England: Amal Press, 2011 .
52. Hermann, Denis. “Aspects de l’histoire sociale et doctrinale de l’école Shaykhī au cours de la période Qājār (1843-1911).” Thèse de doctorat. École pratique des hautes études, 2007.
53. -----Le shaykhisme à la période qajare Histoire sociale et doctrinale d’une Ecole chiite. Turnhout: Brepols Publishers, 2017.
54. “-----Political Quietism in Contemporary Shī’ism: A Study of the Styāsāt-i mudun of the Shaykhī Kirmānī Master ‘Abd al-Riḍā Khān Ibrāhīmī.” *Studia Islamica 109.2 (2014): 274-302*.
55. Keddie, Nikki R, and Yann Richard. *Modern Iran: roots and results of revolution*. New Haven, Conn.: Yale University Press, 2006.

56. Kennedy, Hugh. *Caliphate: The history of an idea*. New York: Basic Books, 2016.
57. Klemm, Verena. "THE DEPUTIES OF MAHDI." *Encyclopedia Iranica* 2008: 143-146 .
58. Krämer, Gudrun. *Geschichte des Islam*. 1st ed. Bonn: C.H.Beck, 2005.
59. Landau-Tasserou, Ella. "A Self-Profile of the Islamic State: The Creedal Document." *Inquiry & Analysis* 1253 (2016): 1-10. The Middle East Media Research Institute.
60. Landes, Richard. *Heaven on earth: The varieties of the millennial experience*. New York; Oxford: Oxford University Press, 2011.
61. Lawson, Todd. "Baha'i Religious History." *Journal of Religious History* 36.4 (2012(1)): 463-470.
62. " .-----Being Human: The Shaykhiyya." *Baha'i Studies Review* 18.1 (2012(2)): 83-94.
63. " .-----Shaykh Ahmad al-Ahsa'i and the World of Images." Shi'i trends and dynamics in modern times (XVIIIth-XXth centuries) by Denis Hermann; Sabrina Mervin. Würzburg: Ergon Verlag, 2010. 19-31.
64. " .-----The Baha'i Tradition: The Return of Joseph and the Peaceable Imagination." *Fighting Words: Religion, Violence, and the Interpretation of Sacred Texts First Edition* by John Renard (Ed.). California: University of California Press, 2012(3). 135-157.
65. Layish, Aharon. *Sharī'a and the Islamic state in 19th-Century Sudan: The Mahdī's legal methodology and doctrine*. N.p., 2016.
66. " .-----The Sudanese Mahdī's legal methodology and its Sūfī inspiration." *Jerusalem studies in Arabic and Islam* 33 (2007): n. pag.
67. Leaman, Oliver. *Controversies in contemporary Islam*. New York: Routledge, 2014.
68. " .-----The Mahdi as a Source of Doctrinal Differentiation in Islam." *The Bright Future* 6 (2011): 60-74.



69. Lewis, Bernard. *From Babel to dragomans: interpreting the Middle East*. London: Oxford University Press, 2004.
70. Livne-Kafri, Ofer. "Jerusalem in early Islam: The eschatological aspect." *Arabica* 53 (2006): 382-403.
71. Maghen, Ze 'ev. "Occultation in Perpetuum: Shi'ite Messianism and the Policies of the Islamic Republic." *The Middle East Journal* 62.2 (2008): 232-257.
72. Marcinkowski, Christoph. *Twelver Shi'ite islam: conceptual and practical aspects*. Singapore: Institute of Defence and Strategic Studies, Nanyang Technological University, 2006.
73. McCants, William F. *The ISIS apocalypse: The history, strategy, and doomsday vision of the Islamic State*. New York : Picador: St. Martin's Press, 2016.
74. Mervin, Sabrina. "Les Autorités religieuses dans le chiisme duodécimain contemporain." *assr Archives de sciences sociales des religions* 125 (2004): 63-77.
75. "-----On Sunnite-Shiite Doctrinal and Contemporary Geopolitical Tensions." *The dynamics of Sunni-Shia relationships* by Brigitte Maréchal; Sami Zemni (Ed.). London: Hurst & Company, 2013. 11-24 .
76. Nagel, Tilman. *Allahs Liebling: Ursprung und Erscheinungsformen des Mohammedglaubens*. München: Oldenbourg, 2008.
77. Nakash, Yitzhak. *Reaching for power: The Shi'a in the modern Arab world*. Princeton, N.J.: Princeton University Press, 2006.
78. Newman, Andrew J. "Between Qumm and the West: The Occultation According to al-Kulayni and al-Katib al-Nu'mani." *Culture and Memory in Medieval Islam* by Farhad Daftary & Josef W. Meri. (Ed.). New York: I.B. Tauris, 2003. 94-108.
79. "-----Ghaybah." *The Oxford Encyclopedia of the Islamic World* by John L. Esposito 2009: n. pag.
80. "-----The formative period of Twelver Shi'ism: ḥad'ith as discourse between Qum and Baghdad. London: Routledge, 2010.
81. "-----Twelver Shiism: unity and diversity in the life of Islam, 632 to 1722. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2013.



82. Nu'aim Ibn-Ḥammād al-Ḥuzā'ī, and David Cook. *"The book of Tribulations": The Syrian Muslim apocalyptic tradition*. Trans. David Cook. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2017 .
83. Ourghi, Mariella. „Ein Licht umgab mich ...“ - Die eschatologischen Visionen des iranischen Präsidenten Mahmūd Ahmadīnežād." *Die Welt des Islams* 49.2 (2009): 163-180.
84. " .-----Lang lebe der Mahd!! Erklärungen moderner schiitischer Gelehrter zur Langlebigkeit des zwölften Imams." online-Publikation, 2007. 1-8.
85. -----Schiitischer Messianismus Und Mahdi-Glaube in Der Neuzeit. Würzburg: Ergon Verlag, 2008.
86. Paz, Reuven. "Debates Within the Family: Jihadi-Salafi Debates on Strategy, Takfir, Extremism, Suicide Bombings, and the Sense of the Apocalypse." *The Project for the Research of Islamist Movements (PRISM)*. Herzliya, ISRAEL: N.p., 2007. 1-12.
87. Reynolds, Gabriel Said. "Jesus, The Qā'im And The End Of The World." *rivideglstudorie Rivista degli studi orientali* 75.1-4 (2001): 55-86.
88. Richard, Yann. "Contemporary Shi'i Thought." *Modern Iran: roots and results of revolution*. New Haven, Conn.: Yale University Press, 2006. 188-211 .
89. " .-----L'islam politique en Iran." *Politique étrangère* 70-1 (2005): 61-72.
90. Richardson, Joel. *The Islamic Antichrist: The shocking truth about the real nature of the Beast*. Los Angeles, CA: WND Books, 2009.
91. Rinehart, James F. *Apocalyptic faith and political violence: prophets of terror*. New York; Houndmills; Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2006.
92. Rosenberg, Joel C. *The Twelfth Imam*. Carol Stream, Ill.: Tyndale House Publishers, 2010 .
93. Scharbrodt, Oliver. "Bahai." *Lexikon nicht-staatlicher Gruppen und Gemeinschaften im Mittelmeerraum*. Munich: Wilhelm Fink, 2015.
94. -----Islam and the Baha'i Faith: A comparative study of Muhammad 'Abduh and 'Abdul-Baha 'Abbas. London: Routledge, 2011.

95. “ .-----The Bahais.” *Minority Religions in the Middle East*. London: I.B.Tauris, 2016 .
96. Schmucker, Werner. “Sekten und Sondergruppen.” *Der Islam in der Gegenwart by Werner Ende (Ed.)*. München: C.H.Beck, 2005. 712-732.
97. Sharon, Moshe. *Studies in modern religions, religious movements and the Bābī-Bahā’ī faiths*. Leiden; Boston: Brill, 2004.
98. “ .-----To Clean Out the Stables and Prepare for War.” N.p., 2006.
99. Shoemaker, Stephen J. *The apocalypse of empire imperial eschatology in late antiquity and early Islam*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2018.
- 100 .-----The Death of a Prophet: The end of Muhammad’s life and the beginnings of Islam. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2012.
101. Smith, Peter. *An Introduction to the Baha’i Faith*. Cambridge: Cambridge University Press, 2008.
102. “ .-----Baha’is.” *Religions in Focus: New Approaches to Tradition and Contemporary Practices* by Graham Harvey (ed.). London: Equinox, 2009.
103. “ .-----The Baha’i Faith.” *Encyclopedia of Global Studies* by Helmut K. Anheier and Mark Juergensmeyer (eds.) 2012: 107-110.
104. Stockman, Robert H. “The Bahá’í Faith.” *Oxford Encyclopedia of the Modern World* 2008: 330-333.
- 105 .-----*The Baha’i faith: A guide for the perplexed*. London: Bloomsbury Publishing, 2012.
106. Turner, Colin P. *Islam: The Basics*. New York: Routledge, 2011.
107. Vilozy, Roy. “A Study of Kitāb al-Maḥāsīn by Aḥmad b. Muḥammad al-Barqī (d. 888 or 894 CE).” Ph. D. The Hebrew University of Jerusalem, 2012.
108. “ .-----Pre-Buyid Ḥadīth Literature: The Case of al-Barqī from Qum (d. 274/888 or 280/894) in Twelve Sections.” *The Study of Shi’i Islam by Farhad Daftary (Ed.)*. London: The Institute of Ismaili Studies, 2014. 203-230.



109. “ .-----What Makes a Religion Perfect: Al-Ṣadūq’s (d. 981/661) Kamāl al-dīn Revisited.” *L’Ésotérisme shi’ite, ses racines et ses prolongements*. Brepols Publishers, 2016. 473-491 .
110. Vittor, Luis Alberto. *Shī’ite Islām: orthodoxy or heterodoxy?* Trans. John A Morrow. Qum, Islamic Republic of Iran: Ansariyan Publications, 2010.
111. Walbridge, Linda S. *The most learned of the Shi’a the institution of the marja’i taqlid*. New York; Oxford: Oxford University Press, 2001.
112. Walker, Paul E. “The Resolution Of The Shi’ah.” *Shi’ite Heritage by Lynda Clarke (Ed.)*. Binghamton, N.Y.: Global Academic Publishing, 2001. 75-90.
113. Warburg, Gabriel. *Sudan: Islam, sectarianism, and politics since the Mahdiyya*. Madison, WI: University of Wisconsin Press, 2002.
114. “ .-----From Sufism to Fundamentalism: The Mahdiyya and the Wahhabiyya.” *Middle Eastern Studies* 45.4 (2009): 661-672.
115. Wechsler, Michael G. “Messianism: Messianic Movements in the Medieval Period.” *Encyclopedia of Jews in the Islamic world by Norman A. Stillman (Ed.)* 2010: 395-407

